

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۹، مقدمه‌ای بر افسسیان، قسمت ۲

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان هستم. این جلسه ۱۹، مقدمه‌ای بر افسسیان، بخش ۲ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید. ما رساله افسسیان را مرور کرده‌ایم، و در واقع، در سخنرانی قبلی، به برخی نکات کلیدی در مورد مقدمه این نامه نگاهی انداختیم.

من توجه شما را به چند نکته مهم در میان آنها یا شاید برخی از عناصر اصلی، که همان پرسش‌های مربوط به نویسندگی هستند، جلب کردم. چه کسی افسسیان را نوشته است؟ و من استدلال کردم و توجه شما را به این واقعیت جلب کردم که هنوز در تحقیقات علمی در مورد اینکه چه کسی افسسیان را نوشته است، اختلاف نظر وجود دارد. اما این استدلال به نفع نویسنده پولس است.

بنابراین، به نظر می‌رسد اکثر ما در میان محققان پولس امروزی، حداقل در جدیدترین تفاسیرشان، همگی بر این باوریم که پولس نویسنده افسسیان است. من باید این گفته را کمی تعدیل کنم، زیرا اگر تفسیری را انتخاب کنید که توسط یک غیر انجیلی نوشته شده باشد، آنها تمایل دارند حتی شواهد بسیاری از محققانی را که از پولس حمایت می‌کنند، نادیده بگیرند. و ممکن است با عباراتی مانند اینکه اکثر محققان معتقدند پولس نویسنده افسسیان است، مواجه شوید.

این یک اغراق فاحش است. دیگر در آکادمی پولس‌شناسی چنین چیزی مطرح نیست. بنابراین بیایید در ادامه بحث، به این نامه طوری نگاه کنیم که انگار توسط پولس نوشته شده است.

در مورد این سوال که آیا خطاب به افسس نوشته شده است یا جای دیگر، من به برخی از نسخه‌های خطی «قدیمی و شاید برخی از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی ما اشاره کردم، که شامل عبارت «افسس» یا «افسس در متن یونانی نمی‌شود. اما با این حال، همانطور که شواهد را بررسی می‌کنیم، به نظر می‌رسد شواهد به این واقعیت اشاره دارند که افسس همیشه بخشی از سند اصلی بوده است، یا به احتمال زیاد بخشی از آن بوده است. برخی از پدران اولیه کلیسا و دیگران که قبلاً با این متن کار می‌کردند، به این متن به همین عنوان اشاره می‌کردند.

اگر هنوز کسی در مورد اینکه نامه به کجا نوشته شده یا خطاب به کجا بوده، اختلاف نظر دارد، یک چیز قطعی است. تمام فرضیه‌ها در مورد محل نگارش نامه به یک منطقه جغرافیایی کوچک در ترکیه امروزی اشاره دارند. در دنیای قرن اول، آن مکان آسیای صغیر غربی نامیده می‌شد.

و بنابراین این مسئله در واقع یک مسئله نیست. ما این سخنرانی‌ها را در نیوانگلند ضبط می‌کنیم. اگر بگویم نامه‌ای به نیوانگلند نوشته شده است، یا نامه‌ای به بوستون نوشته شده است، و شاید نامه در نقاط مختلف نیوانگلند پخش شود، هنوز در منطقه وسیع‌تری قرار دارد و به مسائل نسبتاً کلی رایج در منطقه می‌پردازد.

بنابراین، من در آن بحث به این نتیجه رسیدم که ما در این کلاس، افسسیان را به عنوان نوشته‌ای از پولس و خطاب به کلیساهای افسس و اطراف آن در نظر می‌گیریم تا کسانی که در کلان‌شهر وسیع‌تر افسس

هستند به این نامه دسترسی داشته باشند، آن را بخوانند و شاید این موضوع، لحن کلی این نامه را توضیح دهد. اگر آخرین سخنرانی ما را به خوبی به خاطر داشته باشید، من شروع به اشاره به برخی از مسائل پیش‌زمینه در این نامه کردم. و شاید، بسته به اینکه این مجموعه سخنرانی‌ها را به صورت آنلاین از کجا دنبال می‌کنید، احتمالاً کاملاً متعجب شده‌اید یا شاید از خود پرسید که چرا این همه مطالب مذهبی و این همه مطالب جادویی وجود دارد.

اما اگر احتمالاً این را از آفریقا، آسیا یا آمریکای لاتین دنبال می‌کنید، می‌گویید، من همیشه فکر می‌کردم که پولس باید این را بداند. یا من همیشه فکر می‌کردم که این چیزی است که آنها تجربه می‌کنند. بله، همینطور است.

اتفاقاً دنیایی بود که دین در همه جا حضور داشت. در واقع، فعالیت‌های مذهبی بت‌پرستان با فرهنگ عجین شده بود. چنین تمایزی بین فرهنگ و دین وجود نداشت.

دین و فرهنگ در هم تنیده بودند. و این دنیایی است که مسیحیان اولیه در آسیای صغیر غربی در آن فعالیت می‌کردند. من همچنین به جادو و طالع بینی که در آن زمان رایج بود اشاره کردم و در کتاب اعمال رسولان به شما نشان دادم که چگونه برخی از این موارد در روایت لوقا از مسیحیت اولیه در افسس ظاهر می‌شدند.

فقط برای اینکه تصویری از آنچه در غرب آسیای صغیر می‌گذشت و برخی از مسائلی که در نامه افسسیان مطرح شده بود، به شما بدهم و اینکه چگونه این پیشینه قرار است به ما کمک کند تا بتوانیم آنچه را که پولس سعی دارد به این کلیسا بگوید، درک کنیم. بیایید خلاصه‌ای از آخرین، بسیار بسیار آخرین سری آیتی را که از کتاب اعمال رسولان خواندم، مرور کنیم تا به شما یادآوری کنیم که لوقا چگونه مسیحیت اولیه در افسس را توصیف می‌کند. اگر به خاطر داشته باشید، توجه شما را به این واقعیت جلب کردم که پولس، هنگام آمدن به افسس، از آنها پرسید که آیا روح القدس را دریافت کرده‌اند یا خیر.

وقتی در مورد آن سؤالاتی پرسیده شد و نوعی سرکوب عدم قطعیت وجود داشت، پولس بعداً برخی از مردم را غسل تعمید داد، آنها برای آنها دعا کردند و قدرت روح القدس جاری شد. در یهودیت اولیه و در میان مسیحیان یهودی، برای آنها مهم بود که قدرت روح القدس را در حال کار، و همچنین در میان غیریهودیان ببینند تا این واقعیت را تأیید کنند که کار خدا واقعاً در اینجا، و همچنین در میان غیریهودیان، وجود دارد. گروهی از مردم که در غیر این صورت به عنوان ناپاک، بی‌ارزش و از نظر تعامل، اگر یک یهودی بسیار محافظه‌کار باشید، تعامل حداقلی توصیف می‌شوند.

آنها قدرت روح القدس را تجربه کردند. یکی دیگر از چیزهایی که آنها تجربه کردند این بود که پولس معجزات انجام می‌داد، یا بهتر است بگوییم خدا معجزات انجام می‌داد. این زبان لوقا است.

خداوند از طریق پولس معجزات خارق‌العاده‌ای انجام داد. من این داستان را دوست دارم، مخصوصاً دانش‌آموزان آفریقایی‌ام. ما سعی می‌کنیم وقتی در مورد پسران اسکویا صحبت می‌کنیم، این موضوع را خیلی مسخره کنیم.

پسران اسکویا به ما آموختند که نام عیسی یک نام جادویی است. بنابراین آنها می‌خواستند این نام را انتخاب کنند و نام عیسی را به کار ببرند و از آن برای جن‌گیری استفاده کنند. اما اول از همه، هنگام فکر کردن به جن‌گیری، به این موضوع فکر کنید، زیرا ما معمولاً از آن غافل می‌شویم.

اینها فرزندان یک کاهن اعظم یهودی در افسس هستند. آخرین باری که در یهودیت دیدید که جن‌گیری، اشکالی ندارد، چه زمانی بود؟ خب، این افراد قبلاً به عادات غیریهودیان خو گرفته بودند و فکر می‌کردند خب، ما هم همین کار را می‌کنیم و اگر این نام عیسی که پولس به آن اشاره می‌کند باعث وقوع معجزات بزرگی در شهر می‌شود، ما هم از آن نام استفاده خواهیم کرد. این یک کلمه قوی و جادویی است.

یادتان هست که شش کلمه جادویی در افسس به نام افسسیا گراماتا را به شما یادآوری کردم. آنها احتمالاً فکر می‌کردند که ما یک کلمه جادویی قدرتمند دیگر داریم. آنها وارد شدند، به نام عیسی که پولس و دیگران از آن صحبت می‌کنند، گفتند، شیاطین بیرون آمدند و در واقع، آن صحنه بدی بود.

آن دیوزده به آنها پدید، آنها را کتک زد و به ما گفته شد که آنها برهنه فرار کرده‌اند. این فیلم خیلی خوبی برای فکر کردن نیست. بنابراین همه اینها در افسس اتفاق می‌افتاد.

جن‌گیری، فرزندان کاهن اعظم یهودی که در جن‌گیری شرکت داشتند، دیوزده‌هایی که در واقع توسط دیوها تسخیر شده بودند و روی مردم می‌پریدند و انواع مشکلات را ایجاد می‌کردند. همچنین در بخش آخر خواندن در مورد فصل ۱۹ اعمال رسولان، ذهن شما را تازه می‌کنم، جایی که تعدادی از کسانی که جادوگری می‌کردند، پس از ایمان آوردن به رسولان، کتاب‌های خود را آوردند تا آنها را خم کنند، و در آن متن به شما نشان می‌دهم که چگونه آنها گفتند قیمت این کتاب‌های جادویی بسیار بسیار بالاست. همچنین این واقعیت را برجسته می‌کند که در افسس جادو وجود داشته است.

بیاید کمی ادامه دهیم و سپس به آرامی به متن بپردازیم. بگذارید چیز بیشتری در کتاب اعمال رسولان به شما نشان دهم که به شما کمک می‌کند با اطلاعات پیش‌زمینه‌ای که در سخنرانی قبلی به شما دادم، ارتباط برقرار کنید. بنابراین ما همه این چیزها را می‌دانیم و وقتی به کتاب اعمال رسولان می‌رسیم، دوباره اعمال رسولان ۱۹ از آیه ۲۳ را می‌بینیم.

در همان زمان، آشوب بزرگی در راه پدید آمد. زیرا مردی به نام دیمیتریوس، نقره‌ساز که بتکده‌های نقره‌ای آرتیمیس می‌ساخت، برای این صنعتگر سود زیادی به ارمغان آورده بود. او و دیگر صنعتگران را که در حرفه‌های مشابه کار می‌کردند، گرد هم آورد و گفت: «ای مرد، تو می‌دانی که ما از این حرفه ثروت خود را داریم.»

و شما می‌بینید و می‌شنوید که نه تنها در افسس، بلکه تقریباً در تمام آسیا، پولس بسیاری از مردم را متقاعد و منحرف کرده و گفته است که خدایان ساخته شده با دست، خدا نیستند. و این خطر وجود دارد که نه تنها این تجارت ما بی‌اعتبار شود، بلکه معبد الهه بزرگ آرتیمیس نیز بی‌ارزش شود و حتی از شکوه و جلال خود که تمام آسیا و جهان او را می‌پرستند، کاسته شود. وقتی این را از آیه ۲۸ شنیدند، خشمگین شدند و خود را زدند: «فریاد زدند: بزرگ است آرتیمیس افسسیان.»

بنابراین، شهر پر از آشوب شد و آنها با هم به سمت تئاتر هجوم بردند. آیا به یاد دارید که تئاتر را به شما نشان دادم که ۲۵۰۰۰ نفر در آن نشسته بودند؟ آنها به سمت تئاتر هجوم بردند و غایوس، ارسترخوس و مقدونی‌هایی را که همراهان پولس در سفر بودند، با خود کشیدند. اما وقتی پولس خواست وارد شود و در میان جمعیت قرار گیرد، شاگردان به او اجازه ندادند.

اما وقتی فهمیدند که او یهودی است، حدود دو ساعت، همه با یک صدا فریاد زدند: بزرگ است آرتیمیس افسسیان. بزرگ است آرتیمیس افسسیان.

یادتان هست که در مورد تأثیر الهه مادر افسس، آرتمیس، برایتان گفتم. این همان بحثی است که مسیحیان اولیه قرار بود با آن دست و پنجه نرم کنند. لوقا روایتی را ثبت کرده است که شاید بین شش تا هفت سال قبل از نگارش رساله افسسیان اتفاق افتاده باشد.

و من به شما اشاره کردم که ما با حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در شهر سر و کار داریم. بنابراین، به حدود شاید ۲۰۰۰ مسیحی در شهر و مسیحیان دیگر در مجاورت دیگر فکر کنید. فشار مداوم این هزاران نفر و همه این تأثیرات.

بنابراین، آنچه پولس با آن مواجه شد، آغاز ماجرا بود، اما با افزایش تعداد مسیحیان، فشار بیشتر می‌شد. این پیشینه کلی مسیحیت اولیه در افسس است. حال، اجازه دهید قبل از ادامه بحث، به سرعت به نکته‌ای اشاره کنم.

رابطه بین افسسیان و کولسیان. وقتی داشتیم به کولسیان نگاه می‌کردیم، توجه شما را به این مطالب مشابه، جلب کردم. و مهم است که قبل از اینکه به این آزمون پردازیم، به خاطر برداشت محققان از این موضوع، حافظه شما را تازه کنم.

این دو اغلب به دلایل مختلف با هم در نظر گرفته می‌شوند. سبک آنها شبیه الهیات، زبان‌شناسی و جهان‌بینی آنهاست. آنها درباره قدرت‌های معنوی صحبت می‌کنند.

از نظر سبک، آنها جملات طولانی‌تری دارند، که همان چیزی است که ما در یونانی به آن حالت مفعولی می‌گوییم. آنها دوست دارند از زمان‌های مفعولی زیادی استفاده کنند. در بقیه موارد، که به آنها حشو و زوائد نیز گفته می‌شود، مواردی را که در این حروف وجود دارد، می‌بینیم.

چارچوب الهیاتی آنها تا حد زیادی مشابه است. وقتی به کولسیان نگاه می‌کردیم، حتی توجه شما را به کلمات مشترک زیادی که این دو کتاب دارند جلب کردم. آنها محتوای مشابهی دارند.

آنها به قوانین خانه می‌پردازند. آنها درباره حکومت‌ها و قدرت‌ها صحبت می‌کنند. آنها درباره محوریت مسیح در این جوامع صحبت می‌کنند، با این ادعا که کولسیان به صراحت و برخورد با آموزه‌های نادرست در کلیسا علاقه‌مند است.

لحن افسسیان در این مورد کلی است. اگر وقت دارید، از شما می‌خواهم که کمی وقت بگذارید و به این قسمت‌ها نگاهی بیندازید. من این کار را برای شما انجام می‌دادم.

اگر می‌توانید مطالعه‌تان را متوقف کنید و به این نگاه کنید، آنها را با هم مقایسه کنید. فقط وقت بگذارید و افسسیان ۱ را از آیات ۱ تا ۲ بخوانید و با کولسیان ۱: ۱ تا ۲ مقایسه کنید. افسسیان ۱، آیات ۳ تا ۱۸ را بخوانید و با کولسیان ۱: ۳ تا ۱۱ مقایسه کنید. افسسیان ۳: ۱ تا ۱۳.

شما کولسیان ۱:۲۴ را با فصل ۲، آیه ۵ مقایسه می‌کنید. برخی از مطالب موجود در ۱۷:۴ تا ۹:۶ را، به ویژه در مورد قوانین خانه‌داری، با کولسیان فصل ۳، آیه ۵ تا فصل ۴، آیه ۱ مقایسه می‌کنید. و سپس، وقتی شروع به خواندن در مورد دعا و موارد دیگر می‌کنید، به افسسیان فصل ۶، آیات ۱۸ تا ۲۰ نگاه کنید و نحوه کنار هم قرار گرفتن این عبارات دعا در کولسیان ۲:۴ تا ۴ را مقایسه کنید. افسسیان ۲، آیات ۲۱ تا بخش سلام‌های پایانی آن را با آنچه در انتهای کولسیان اتفاق می‌افتد، مقایسه کنید. شما شروع به درک، ۲۲، شباهت‌های زیادی می‌کنید، به معنای واقعی کلمه، حتی با واژگان. اما من همچنین به شما یادآوری کردم، اگر از بحث کولسیان به یاد داشته باشید، مدتی است که این دو به ترتیب ۴۰٪ با هم اختلاف نظر دارند.

و خود این توافق نباید با کاربرد مشابه کلمات یا محتوا اشتباه گرفته شود. در بسیاری از موارد از کلمات یکسانی استفاده می‌شود، اما همین کلمات کاملاً متفاوت به کار می‌روند. شباهت‌ها در واقع ممکن است به این دلیل باشد که دو حرف یا به یکدیگر وابسته هستند یا یک نفر همه آنها را نوشته است.

و من ترجیح می‌دهم موردی را در نظر بگیرم که در آن یک نفر هر دو نامه را نوشته باشد. با این اوصاف، این یک نفر پولس خواهد بود. بنابراین، بیایید به موضوع افسسیان پردازیم.

چه وقایع یا چه چیزی پشت نگارش افسسیان بوده است؟ شاید این برای شما مفید باشد. بررسی مناسبت‌ها برای ما مهم است زیرا نمی‌توانیم این نامه را انتخاب کنیم و فرض کنیم که هیچ اتفاقی نیفتاده و ناگهان نامه‌ای در شهر ظاهر شده و عده‌ای روی آن کار می‌کنند، مبادا زمان زیادی را صرف این کنیم که بدانیم چه کسی پشت این نامه است و این شخصیت عجیب پشت نامه کیست که ما حتی او را نمی‌شناسیم و آن شخص حتی به ما نمی‌گوید که کیست. اولین نکته در مورد مناسبت نامه این است که در واقع توسط پولس از زندان روم نوشته شده است تا به مؤمنان جدیدی که از ادیان بت‌پرستی روی آورده‌اند، هدیه دهد.

آنها در طالع بینی فعالیت داشتند. آنها در انواع فعالیت‌های بت‌پرستانه در شهر فعالیت می‌کردند و به مسیحیت گرویده بودند. این نامه به طور خاص برای آنها نوشته شده بود تا مطمئن شود که ایمان آنها بر اساس انجیل است.

همچنین خطاب به برخی از یهودیان است، اگرچه جامعه یهودی، همانطور که از منابع موجود مشاهده می‌کنیم، اقلیتی را در کلیسا تشکیل می‌دهد، اما در هر صورت، برخی از اقلیت‌های یهودی در کلیسا وجود داشتند که ممکن است مسائل خاص خود را داشته باشند. در واقع، در روایت لوقا، به شما نشان دادم که پسران اسکویا افراد عادی نیستند. آنها پسران کاهنان اعظم یهودی بودند.

یعنی برخی از یهودیان شهر حتی درگیر فعالیت‌های بت‌پرستانه می‌شدند. شواهدی از پاپیروس‌های جادویی یونانی، سند یا مجموعه‌ای از آزمایش‌های جادویی باستانی که برخی از ما نسخه‌هایی از آنها را داریم و به آنها دسترسی داریم، نشان می‌دهد که برخی از یهودیان در خارج از کشور شروع به درگیر شدن در برخی از این فعالیت‌های جادویی بت‌پرستانه کرده‌اند. پولس این نامه را هم به غیریهودیان که از همه این پیشینه‌های بت‌پرستانه می‌آیند و هم به یهودیان که یهودیان دیگری بودند که در واقع به شیوه‌های سنتی یهودی چسبیده‌اند و کلیت مسیحیت را نمی‌پذیرند یا شاید درگیر نوعی تلفیق‌گرایی هستند تا ایمان خود را محکم و قوی در انجیل خداوند عیسی مسیح بنا کنند، می‌نویسد.

سعی کنید به آنها یادآوری کنید که عیسی برای انجام چه کاری آمده است و اگر شما عیسی را دارید و زندگی شما در مسیح است و زندگی شما تحت سلطه، به عبارت دیگر، خداوندی مسیح است، پس این تنها چیزی است که نیاز دارید. شما نیازی به ترس نداشتید، یا نیازی نبود که به دنبال منابع خارجی برای محافظت هدایت یا هر نوع نعمتی باشید. پولس می‌نویسد تا مطمئن شود که آنها این عنصر اصلی انجیل را دست نخورده دریافت می‌کنند.

این نامه همچنین برای ترویج هویت، وحدت و اخلاق مسیحی در کلیساها نوشته شده است. پولس مشتاق است تا خاطر نشان کند که این کلیسا، کلیسای در روستایی متعلق به یک گروه قومی خاص نیست. این کلیسا در شهری است که شباهت‌هایی به برخی از شهرهای امروزی ما دارد.

بهبهت گفتم اونجا یهودی بود. انواع و اقسام غیریهودی‌ها هم بودن. به شهر تجاری بزرگه

در واقع، در کتاب اعمال رسولان به ما گفته شده که آپولوس از اسکندریه به افسس آمده است. بنابراین ما افرادی را داریم که از شمال آفریقا به افسس می‌آیند. ما در یک امپراتوری روم هستیم و رومی‌ها در انواع فعالیت‌ها، حکومت و انواع فعالیت‌های جهان باستان دخیل هستند.

بنابراین، ممکن است رومی‌ها آنجا باشند. نمی‌دانم قبلاً در مطالعاتمان به این موضوع اشاره کرده‌ام یا نه. رومی‌ها یونانی‌ها را خیلی دوست نداشتند و یهودیان همه را غیریهودی می‌نامیدند.

یونانی‌ها خیلی مغرورند که همه را بربر بنامند و بعد به کلیسای فکر کنند که این همه آدم در آن هستند. پولس می‌خواست مطمئن شود که آنها جوهره واقعی هویت مسیحی را درک کرده‌اند. هویتی که در آن وقتی به مسیح ایمان می‌آوریم، وانمود نمی‌کنیم که هیچ ریشه قومی نداریم.

ما وانمود نمی‌کنیم که از یک نژاد هستیم. اگرچه از پیشینه‌های قومی و تنوع نژادی متفاوتی آمده‌ایم، اما همچنان می‌توانیم خود را به عنوان اعضای خانواده خدا در خانه‌ای ببینیم که خود خدا پدر آن است و هر یک از ما برادر و خواهر هستیم. من اغلب گفته‌ام که اگر می‌خواهید بفهمید پولس در افسس چه چیزی را ترویج می‌دهد، به خانواده‌ای فکر کنید که در آن شوهر سیاه‌پوست و زن سفیدپوست است و فرزندان از نژاد مختلط در آن خانه وجود دارند.

آنها هنوز یک خانواده هستند. وقتی آنها را در بازار شهر نیویورک در ایالات متحده می‌بینید، شاید فکر کنید که آنها دوستان فوق‌العاده‌ای هستند. یکی سیاه‌پوست است، یکی سفیدپوست، و احتمالاً چند دوست اسپانیایی هم دارند.

به این فکر کنید. توصیف پولس از هویت مسیحی این است که کلیسا با وجود همه این تنوع، خود را به عنوان اعضای خانواده خدا ببیند. آنها از وجود آنها غافل نمی‌شوند یا وانمود نمی‌کنند که وجود ندارند.

منظورم این است که من یکی از کسانی هستم که استدلال می‌کنم کل مفهوم کوررنگی که در برخی از کشورهای غربی ما ترویج می‌شود، یک شوخی است. مردم باید نژاد خود را همانطور که هستند بپذیرند و وانمود کنند که در واقع طوری وانمود نمی‌کنند که انگار وقتی دیگران یک فرد سیاه‌پوست را می‌بینند، آن شخص را سیاه‌پوست نمی‌بینند، یا وقتی دیگران یک فرد سفیدپوست را می‌بینند، آن شخص را سفیدپوست نمی‌بینند. پولس ترجیح می‌دهد الگوی والاتری را برای ما ارائه دهد تا از نظر چگونگی ظاهر هویت مسیحی به آن نگاه کنیم.

در این چارچوب است که او کلیسا را به چالش می‌کشد و اظهار می‌دارد که هویت با هنجارها و پویایی‌های گروهی داخلی همراه است که وحدت را در کلیسا تقویت می‌کند. او در ادامه بر این نکته تأکید می‌کند که چه ویژگی‌ها و منابع معنوی، به‌ویژه قدرت روح‌القدس و مسئولیت شخصی، برای تحقق وحدت در جامعه ایمانی مورد نیاز است. او همچنین می‌نویسد تا مسیحیان را به زیستن مطابق با رسالت والا فرا بخواند.

در واقع، در افسسیان است که او در فصل ۴ جمله‌ی عمیقی بیان می‌کند که شایسته‌ی دعوت الهی باشید در جای دیگر، مانند فیلیپیان، او می‌گوید که شما شایسته‌ی انجیل زندگی می‌کنید. در افسسیان، او می‌گوید که شما باید شایسته‌ی دعوت الهی باشید، نه فقط دعوتی که به خاطر آن فراخوانده شده‌اید.

او بر این واقعیت تأکید می‌کند که این جامعه، مردمی هستند که به یک محیط خانوادگی ممتاز فراخوانده شده‌اند و با بودن در آن محیط خانوادگی ممتاز، از حس افتخار بزرگی بهره‌مند می‌شوید. بلکه، همچنین بر شما واجب است که مطمئن شوید سهم خود را برای حفظ این افتخار انجام می‌دهید تا سبک زندگی، نگرش تعامل اجتماعی و نحوه ارتباط شما با افراد جامعه، در نهایت باعث شرمساری و خجالت خانواده ایمان

نشود. پولس، با تفکر در مورد این سه نکته کلیدی، همانطور که سعی خواهیم کرد آنها را بیان کنم، نامه به افسسیان را می‌نویسد.

بعداً، آنچه را که به نظرم بهترین بود، شاید بهترین بیانیه هدف این نامه که به خوبی بیان شده باشد، به روشنی بیان خواهم کرد. اما قبل از آن، اجازه دهید چند موضوع کلیدی در این نامه را به شما نشان دهم تا ذهنتان را به کار بیندازم. می‌دانید، گاهی اوقات فقط می‌خواهم قبل از اینکه وارد این موضوع شویم، شما را به فکر کردن، فکر کردن، فکر کردن وادار کنم.

بنابراین، بیایید به برخی از این مضامین کلیدی نگاهی بیندازیم. همانطور که به این نامه می‌پردازیم، اگر اهل دنیای غرب هستید، اگر ما را در ایالات متحده یا استرالیا یا انگلستان دنبال می‌کنید، لطفاً توجه داشته باشید که اگرچه ما در جهانی زندگی نمی‌کنیم که قدرت‌های معنوی و همه اینها و اشاره به فعالیت‌های معنوی بخشی از دنیای ما باشد، اما این دلیلی نیست که باید آن را کنار بگذاریم زیرا این واقعیت دنیای پولس و دنیای مسیحیان اولیه در افسسیان بود. او در این نامه با برجسته کردن این مضمون می‌نویسد که مسیح بر تمام خلقت، به ویژه بر ریاست‌ها و قدرت‌ها، برتر است.

به عبارت دیگر، قدرت‌های شیطانی می‌توانند در نفوذ و قدرت خود غالب شوند، اما قدرت آنها به قدرت خدا نزدیک نمی‌شود. بنابراین، برای کسانی که در مسیح هستند، نیازی به ترس از همه تأثیرات این قدرت‌ها نیست. و مسیحیان مجبور نیستند طوری زندگی کنند که گویی شیاطینی هر روز سعی در سرکوب آنها دارند. و در آن حس ترس زندگی کنند.

این در واقع زندگی غیر مسیحی است. پولس در افسسیان استدلال می‌کند که یک مسیحی می‌داند مسیح چه کاری انجام داده است. و آنها می‌دانند که مسیح بر چه چیزی غلبه کرده است.

و آنها پیروزی‌ای را که خدا در مسیح به دست آورده است، درک می‌کنند. این مضمون، به ویژه در سه فصل اول این نامه، به مسیحیان اولیه نشان خواهد داد که بله، مسیح بر تمام خلقت برتر است. مضمون دوم که در بحث افسسیان خواهیم دید این است که مؤمنان فراخوانده شده‌اند تا در مرگ، رستخیز و کمال مسیح با او شریک شوند.

سوم، ما شاهد تأکید بر کلیسا به عنوان بدن مسیح خواهیم بود. و آن بدن بخش‌های زیادی خواهد داشت چند لحظه پیش، من در مورد ترکیب قومی و اینکه چگونه مردم هنوز می‌توانند به یک خانواده خدا تعلق داشته باشند صحبت می‌کردم.

پولس تأکید خواهد کرد که بدن مسیح یک بدن متحد است. و او از استعاره بدن استفاده خواهد کرد تا نشان دهد که چگونه بخش‌های مختلف و تفاوت‌های مختلف، چه قومی، چه پیشینه مذهبی، چه نژادی یا هر چیز دیگری، هنوز در ساختن بدن به آنچه هست، نقش دارند. نکته‌ای که او به خوبی در اول قرن‌تینان ۱۲ به تصویر می‌کشد.

وقتی او واقعاً در مورد عطایای معنوی صحبت می‌کند، سؤالاتی مانند این می‌پرسد، اگر دست دیگر دست نباشد چه؟ وقتی سعی می‌کنم نکته‌ی پولس را در اینجا بسط دهم، دوست دارم این را بگویم. اگر ناخن‌هایتان دیگر کار نکنند چه؟ اوه، در بعضی موارد، فکر می‌کنم درد روی دیوار رنج خواهد برد. وقتی برخی از مردم کار می‌کنند، کمرشان درد می‌کند و ناخن‌هایشان از کار می‌افتد، به پشت دیوار می‌روند و پشت خود را به دیوار می‌خارانند.

حالا، وقتی درد را روی دیوارهایتان می‌بینید، باید اهمیت ناخن‌هایتان را به شما یادآوری کند. نکته‌ی پولس این است که همه مهم هستند. مهم نیست که چگونه ممکن است درک کنیم، همه ما بخشی از بدن مسیح هستیم.

استعاره‌ای قدرتمند که او در این نامه به آن خواهد پرداخت و آخرین موضوعی که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم این است که مسیحیان به خانواده خدا تعلق دارند و این خانواده خدا، جامعه ایمانی را تشکیل می‌دهد.

اما در انتهای نامه، او همچنین آنها را به چالش می‌کشد تا مسیح را خداوند خانه‌های کوچک خود قرار دهند. اگر زمان اجازه دهد، در جریان بحثمان در مورد افسسیان، می‌توانم فصلی را که اخیراً در کتابی در همین زمینه نوشته‌ام، با شما به اشتراک بگذارم.

اهل خانه انسان و اهل خانه خدا. در افسسیان و اینکه چگونه پولس در واقع این اهل خانه بزرگ خدا را نشان می‌دهد.

و اینکه چگونه خانواده‌ی کلان باید تحت رهبری خداوند عیسی مسیح عمل کند و درست در اواخر مکالمه او بحث را به این خلاصه می‌کند که می‌گوید: «می‌خواهم این اتفاق در خانه‌ی شما بیفتد.» این نحوه‌ی ارتباط زن و شوهر با یکدیگر است.

اینگونه است که والدین و فرزندان باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اینگونه است که اربابان و بردگان باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اگر این کار را انجام دهید، پویایی رابطه در خانواده بزرگ تأثیر مستقیمی بر آنچه در خانواده کوچک می‌گذرد، خواهد داشت.

و چه بخواهید چه نخواهید، در واقع، خانه‌های کوچک مکان‌هایی هستند که کلیساها در آنها گرد هم می‌آیند. بنابراین، این تصویر که او این‌طور ترسیم می‌کند که هر زمان که برای ملاقات می‌آیی، خود را به عنوان یک خانواده می‌بینی. اما هر زمان که آنجا را ترک می‌کنی و به خانه‌های خصوصی خود می‌روی، عیسی را به عنوان پروردگار خانه خود ببین.

این جامعه‌ای است که در آن اکثر خانوارها خدای خود را دارند. این خدا می‌تواند خدای کشاورزی باشد که به آنها کمک می‌کند تا در کار کشاورزی موفق باشند. برخی ممکن است با خدایی تماس بگیرند که در عرصه تجارت به آنها کمک می‌کند.

اگر اهل شراب هستید و از شراب و این چیزها لذت می‌برید، احتمالاً می‌خواهید یک معبد کوچک برای دیمیتِر، خدای شراب، درست کنید و بگویید، می‌دانید چیست، من فقط سعی می‌کنم شراب بنوشم و جشن بگیرم و از آن به عنوان بخشی از برنامه‌ام برای نوشیدن شراب بیشتر استفاده کنم. منظورم این است که داشتن خدایی که بر خانه‌های مردم نیز حکومت می‌کند، بسیار رایج بود. پولس می‌گوید که برای مسیحیان، عیسی باید خداوند خانه‌هایشان باشد.

و این را در ادامه بحث در مورد افسسیان به شما نشان خواهم داد. وای، کلی مطالب پیش‌زمینه. چرا این همه وقت صرف کرده‌ایم؟ خیلی زود به سراغ آزمون خواهیم رفت.

اما بیا به بخش پایانی بحث کلینت آرنولد در مورد مقدمه نگاهی بیندازیم. اینکه چگونه کلینت آرنولد با دقت هدف افسسیان را شرح می‌دهد. این تفسیری است که فکر می‌کنم یک یا دو سال پیش منتشر شده است.

او در انتخاب مباحث علمی، ترکیب آنها، آوردن آنها در تحقیقات خود و بیان دقیق هدف افسسیان در یک جمله طولانی، عملکرد خوبی دارد. پولس این نامه را به شبکه بزرگی از کلیساهای محلی در افسس و شهرهای اطراف نوشت تا هویت جدید آنها را در مسیح به عنوان وسیله‌ای برای تقویت آنها در مبارزه مداومشان با قدرت‌های تاریکی، برای ترویج وحدت بیشتر بین یهودیان و غیریهودیان در داخل و بین کلیساهای منطقه، و برای تحریک تحول روزافزون سبک زندگی آنها به انطباق بیشتر با پاکی و تقدسی که خداوند آنها را به نمایش گذاشته است، تأیید کند. این را در ذهن خود داشته باشید یا این کلمات را به خاطر بسپارید، و سپس مستقیماً به بررسی آزمون خواهیم پرداخت.

بنابراین، از شما می‌خواهم که در پایان درس قبلی، افسسیان، کل افسسیان را یکجا بخوانید. امیدوارم این تکلیف را انجام داده باشید. اگر انجام ندهاید، وقت آن است که کتاب مقدس شما را برداریم و با من شروع کنیم.

بیایید نگاهی به چند آیه اول این نامه بیندازیم. آیات اول و دوم به این صورت خوانده می‌شوند: پولس، رسول عیسی مسیح، به خواست خدا، به مقدسینی که در افسس هستند و در مسیح عیسی وفادارند

فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد. این از بسیاری جهات، درودهای استاندارد پولس است، اما همچنین مهم است که ذهن خود را تازه کنید زیرا پولس هرگز از استفاده از برخی از این درودها دست بر نمی‌دارد. در اینجا، برخلاف آنچه در نامه‌های دیگر مانند فیلیمون می‌بینیم که در آن خود را به عنوان زندانی معرفی می‌کند، مانند سایر نامه‌های پولس، او می‌گوید: من پولس رسول هستم

به معنای کسی است که فرستاده شده apostolos کلمه رسول می‌تواند به معنای پیام‌آور باشد. کلمه یونانی است. می‌تواند به معنای کسی باشد که با یک مأموریت یا مقام رسولی فرستاده شده است.

محققان تمایل دارند فکر کنند که این مفهوم می‌تواند با نحوه استفاده پولس از زبان در هم تنیده باشد. وقتی او از آنها استفاده می‌کند، هوشمندانه سعی می‌کند نشان دهد که او یک پیام‌رسان است، در حالی که او پیام‌رسان یک مقام بالاتر است و بنابراین مردم باید به او گوش دهند. اگر می‌خواهید ببینید که او این نوع عنوان را در سلام‌هایش کجا تغییر می‌دهد، او فقط زمانی آنها را تغییر می‌دهد که با مسائل بسیار شخصی مانند تمام جوامع شخصی که با آنها روابط شخصی دارد، سروکار دارد.

بنابراین، وقتی او به کلیساهای مقدونیه، مکاتبات تسالونیکي یا فیلیپیان یا فیلیمون، که کلیساهایی هستند که او با آنها کار می‌کرد و بسیار به آنها نزدیک بود، یا فیلیمون، که می‌خواهد ثابت کند با آنها رابطه بسیار نزدیکی دارند، نامه می‌نویسد، این را کنار می‌گذارد و می‌گوید، ما معمولاً می‌گوییم، اوه، پولس، زندانی، و او از کلمه رسول استفاده نمی‌کند. بنابراین، او این حس را دارد که، من فرستاده شده‌ام، اما من همچنین کسی هستم که با درجه بالایی از اقتدار فرستاده شده‌ام. بنابراین، قدرت و موضوع پیام‌آور در آنجا وجود دارد.

شاید اگر بخواهم آن را توضیح دهم، هرچند این زبانی نیست که پولس اینجا استفاده می‌کند، مثل یک سفیر قدرتمند است. من اغلب گفته‌ام که اگر به کشوری بروید و به دنبال سفیر باشید، از انواع کشورها سفیر دارید. اما وقتی می‌گویید می‌خواهید سفیر ایالات متحده یا سفیر کانادا یا سفیر بریتانیای کبیر را ببینید، دسترسی به آنها کار سختی است.

نمی‌توانستم تصور کنم که اگر آقای هیچکس، مثل من، بخواهد با رئیس جمهور ایالات متحده صحبت کند، چقدر برایم دشوار خواهد بود. حتی وقتی سناتور بود، اینکه بتوانم ترتیب دهم، بتوانم ملاقات حضوری با او داشته باشم، بحث کنم، قهوه بخورم و همه آن جلسات را با او داشته باشم، نه. اما مثلاً در

یکی از کشورهای اروپای شرقی، خیلی طول نکشید که با یکی از دوستانم تماس بگیرم و بگویم، می‌توانی با این مرد که قرار است به زودی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود صحبت کنی؟ همه نظرسنجی‌ها این را نشان می‌دهند.

هر نشانه‌ای به نفع او خیلی خوب کار می‌کند. اما ما می‌ترسیدیم که اگر او رئیس جمهور شود و ندانم‌گرا باشد، به مسیحیان این فرصت را ندهد. و من زمان زیادی را صرف تلاش برای انجام خدمت در این کشور خاص کردم.

با یکی از دوستانم تماس گرفتم و پرسیدم که آیا می‌توانید ترتیبی بدهید که با رئیس جمهور قهوه بخورم. او با دفتر رئیس جمهور تماس می‌گیرد و می‌گوید، دوستم می‌گوید، و بنابراین؛ او کسی است که چنین و چنان می‌کرده است. نکته مثبت به نفع من این است که من یکی از معدود سیاه‌پوستانی بودم و هنوز هم هستم که در این کشور خاص، در کلیساها فعالیت زیادی دارم. بنابراین شما سیاه‌پوستانی با لهجه‌های عجیب و غریب در اطراف نمی‌بینید.

بنابراین، به راحتی می‌توان متوجه شد چه کسی در اطراف است. خلاصه، آن مرد گفت بله. و من فقط می‌توانستم بروم و بنشینم، یک ساعت با او ملاقات کنم و مدتی را صرف شناخت او کنم و از او بخواهم که وقتی رئیس جمهور شد، لطفی در حق ما بکند و آزادی مذهبی را ترویج دهد.

از وقتی که او رئیس جمهور شده، من توانسته‌ام یادداشت بفرستم. توانسته‌ام از طریق دوستانم با او همکاری کنم. و او واقعاً آزادی مذهبی را به این کشور می‌آورد.

من نمی‌توانستم این کار را در ایالات متحده انجام دهم. اینکه بگویم یک پیام‌رسان هستم، اما یک پیام‌رسان با اقتدار. تقریباً مثل این است که بگویم من سفیر یا رئیس جمهور یک کشور بسیار مهم هستم.

قدرتی که با آن می‌آید قوی‌تر است. این همان چیزی است که پولس با این عنوان بیان خواهد کرد. او با مردم افسس سروکار دارد.

آنها زرنگ و دانا هستند. آنها با مسائل تجاری آشنا هستند. آنها در یک شهر هستند.

می‌دانید، مردم مرکز شهر. بعضی از شما این را از شهرها دنبال می‌کنید. شما از پویایی شهرها خبر دارید.

پولس سعی دارد با این افراد کنار بیاید. او همچنین می‌خواهد ثابت کند که او فقط یک رسول به میل خودش نیست، بلکه او رسولی است که به خواست خدا و با خواست خدا آمده است.

این خارج از هیچ برنامه انسانی نیست، بلکه بخشی از نیت و طرح خداست. کلمه‌ای که او برای اراده استفاده کرد می‌تواند به معنی آرزوها یا خواسته‌ها باشد. او در واقع یک رسول است زیرا خدا می‌خواهد که او یک رسول باشد.

یادتان هست این مرد چطور مسیحی شد؟ او هیچ برنامه‌ای برای لابی کردن برای به دست آوردن موقعیتی جهت موعظه انجیل نداشت. او هیچ گونه بیکاری نداشت، بنابراین می‌خواست برود و برای مسیح کار کند. تا بتواند شغلی پیدا کند. نه، او مشغول رفتن به آزار و اذیت کلیسا بود که مسیح در جاده او را ملاقات کرد.

او را از اسب به زمین بینداز و شدیدترین سوال اتهام‌آمیز را از او بپرس. شائول، شائول، چرا مرا آزار می‌دهی؟ اینگونه بود که زندگی‌اش دگرگون شد. او گفت که به خواست خدا، به خواست و اراده‌ی او، رسول است.

به خدا. باید جدیش بگیری. کسی که داره باهاش معامله می‌کنه خیلی مهمه.

و همه افراد کلیسا این خدا را به رسمیت می‌شناسند. او می‌گوید که به این افراد که مقدسین هستند، نامه می‌نویسد. اگر به خاطر داشته باشید، اشاره کردم که وقتی در مورد آن صحبت می‌کنیم، فکر می‌کنم در مورد کولسیان بحث می‌کردیم؛ در مقدمه، من در مورد مقدسین صحبت می‌کنم تا وقت زیادی را اینجا تلف نکنم.

کلمه «قدیس» در اینجا به معنای تقدیس پاپ نیست. به عبارت دیگر، وقتی کلیسای کاتولیک باید معیارهای مذهبی را طی کند تا بتواند تشخیص دهد که آیا کسی معیارهای قدیس بودن را دارد یا خیر، و پاپ مراسم لازم را برای قدیس کردن آن شخص انجام می‌دهد، این چیزی نیست که ما در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم.

کلمه مقدسین، شکل جمع کلمه مقدس در متن یونانی است. وقتی پولس آنها را مقدسین می‌نامد، او در حال فراخواندن است؛ او در مورد افرادی صحبت می‌کند که توسط خدا فراخوانده شده‌اند، توسط خدا برگزیده شده‌اند و توسط خدا برای استفاده او جدا شده‌اند. و او از آنها به عنوان وفاداران یاد می‌کند.

گاهی اوقات، برخی از ترجمه‌ها به زبان انگلیسی خیلی خوب از آب در نمی‌آیند. آنها معمولاً طوری به نظر می‌رسند که انگار این پیام را منتقل می‌کنند که در واقع، پولس در مورد کسانی صحبت می‌کند که به مسیح ایمان دارند. اما این زبان بیشتر شامل کسانی است که مقدس و مؤمن هستند، کسانی که قابل اعتماد و دارای درجه‌ای از شخصیت اخلاقی هستند.

بنابراین، آنها به مسیح ایمان خواهند داشت، اما در کار خود با مسیح نیز وفادار هستند. و این، قلمرویی که در آن مقدس و وفادار یا قابل اعتماد هستند، در مسیح است. و سپس سلام و احوالپرسی معمول پولس در اینجا مطرح می‌شود.

درود بر شما. درود بر شما. آرامش از جانب خدا.

همانطور که در ابتدا به شما هشدار دادم، سعی می‌کنم از هیجان بیش از حد در مورد این نامه خودداری کنم. اما وقتی پولس در افسسیان از فیض الهی برای شما سخن می‌گوید، مانند سایر نامه‌هایی که نوشته است، سخنان معمولی نمی‌گوید. در این نامه، او قرار است درباره فیض الهی به گونه‌ای صحبت کند که قبلاً هرگز چنین نکرده است.

او قرار است ماهیت فیض خدا را به شکلی بی‌سابقه ترسیم کند. و اگر قرار است کلیسایی که از جوامع چند قومیتی تشکیل شده است با هم همکاری کنند، اگر قرار است وحدت در کلیسا حاکم شود، درک فیض خدا برای کلیسا مهم است. فیض، فیض از آن شما باد.

صلح، شالوم. رفاه و آسایشی که تنها خدا فراهم می‌کند، سهم شماست تا دچار کشمکش‌های درونی نشوید. که شما را در پویایی جامعه مشکل‌ساز کند. و این از جانب خدا، پدر ما، است.

دوباره، قضیه‌ی خویشاوندی. اجازه ندهید زیاد وارد این بحث شوم. اما خدا، پدر ما

و خداوند، خداوند عیسی مسیح. برای من، کلمه خداوند یکی از کلماتی است که با خواندن نامه‌های پولس به راحتی از آن عبور می‌کنیم. خداوند، ارباب، کسی که به فرمان او حرکت می‌کنیم، عمل می‌کنیم و اطاعت می‌کنیم.

او و خدا کسانی هستند که فیض و آرامش از جانب آنها به شما می‌رسد. پولس پس از نوشتن این متن، قرار بود چیزی را بنویسد که من آن را «دعای بی‌نفس» می‌نامم. او جمله‌ای خواهد نوشت که قابل توجه است.

Nestle Alan 28 در واقع، در برخی از متون یونانی که در دست داریم، جدیدترین آنها این جمله را به سه قسمت تقسیم کرده و نقطه گذاشته است. در برخی از متون یونانی، از آیه ۳ Alan 28 تا آیه ۱۴ یک جمله است.

فقط تصورش را بکن. فقط تصور کن من را که سعی می‌کنم آیه ۳ تا ۱۴ را با لهجه عجیب آفریقایی‌ام بدون نفس بخوانم. می‌فهمی؟ فکر می‌کنم پولس پیش‌بینی می‌کرد که مردم از حرف‌هایش اینقدر هیجان‌زده شوند.

و او اینگونه بیان می‌کند. متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت، روحانی در قلمروهای آسمانی مبارک ساخته است. همانطور که او ما را پیش از بنیاد جهان در خود برگزید، ما نیز باید در حضور او در محبت مقدس و بی‌عیب باشیم.

در محبت، او ما را از پیش برای پسرخواندگی از طریق عیسی مسیح، بر اساس هدف اراده خود، تعیین کرد تا به ستایش فیض باشکوه او پردازیم، فیضی که ما را در آن محبوب برکت داده است. در او، در مسیح، ما از طریق خون او رهایی یافته‌ایم. بخشش گناهان ما بر اساس غنای فیض او، که آن را در کمال حکمت و بصیرت به ما ارزانی داشت، و راز اراده خود را بر اساس هدف خود، که در مسیح به عنوان طرحی برای کمال زمان مقرر کرد تا همه چیز را، چه در آسمان و چه در زمین، در او متحد کند، به ما آشکار ساخت.

در او، ما میراثی را به دست آورده‌ایم که از پیش مقدر شده است، مطابق با هدف او که همه چیز را مطابق رأی اراده خود انجام می‌دهد، تا ما که اولین کسانی بودیم که به مسیح امیدوار بودیم، بتوانیم جلال او را ستایش کنیم. همچنین در او، هنگامی که کلام حقیقت، انجیل نجات خود را شنیدید و به او ایمان آوردید، با روح القدس موعود مهر و موم شدید، که ضامن میراث ماست تا زمانی که آن را به دست آوریم تا جلال او را ستایش کنیم. وای! تصور کنید که این یک جمله باشد.

اینگونه است که برخی از متون یونانی را کنار هم قرار داده‌ایم، اما بیایید به چند جزء از این جمله خاص نگاهی بیندازیم تا در مطالعه بعدی خود نگاهی عمیق‌تر به این جمله بیندازیم. ابتدا می‌خواهم توجه شما را به چگونگی تعیین لحن برای خویشاوندی توسط پولس جلب کنم. در چند آیه اول، فقط به آیات سه تا پنج نگاه کنید؛ او این مفهوم خانوادگی را معرفی می‌کند که خدا پدر مؤمنان است.

را معرفی می‌کند که به مؤمنان از euthysia او همچنین پدر خداوند ما عیسی مسیح است. سپس، او کلمه طریق مسیح به فرزندی پذیرفته می‌شوند. این یکی از آن کلماتی است که فکر می‌کنم ترجمه انگلیسی آن کمک زیادی به ما نمی‌کند.

نیست. اگر بخواهیم آن را به sans استفاده می‌کنند. نه، آن کلمه sans بعضی از مترجمان انگلیسی از کلمه به معنای «بدون» است sans، معنای واقعی کلمه ترجمه کنیم.

وقتی وارد امتحان شدیم، توجه شما را به آن جلب می‌کنم. اما ببینید اوضاع چطور پیش می‌رود. خدا پدر ماست.

او همچنین پدر خداوند عیسی مسیح است. و ما، یعنی مؤمنان، فرزندان خوانده خدا هستیم. بنابراین، او در طول مکالمه این را به صورت فشرده بیان می‌کند تا بگوید ما که خواهر و برادر هستیم و با مسیح میراث مشترکی داریم، اکنون با مسیح خواهیم نشست و اکنون این امتیازات مشترک را با مسیح خواهیم داشت.

و او همچنین به دلیل این جایگاه نزد خدا، حفاظت از کلیسا را تضمین و تضمین خواهد کرد. در مورد آن فکر کنید. فقط تصور کنید که خدا پدر طبیعی شماست و شما در خانه هستید.

از دزدهای مسلح که میان می‌ترسی؟ کسی که هیچ وقت نمی‌خواهه، چرت نمی‌زنه. کسی که می‌تونه حرف بزنه و سرش رو پایین بندازه. می‌دونی، کسی که می‌تونه بره و بذاره زلزله یا به اتفاق مرموز بیفته.

خدایی که قدرت انجام هر کاری را دارد. آیا احساس ناامنی خواهید کرد؟ پولس در اینجا مفهوم قوی‌ای را مطرح می‌کند که اگر خدا پدر شماست و هویت شما در اوست و شما آنجا هستید، او، من آن عبارتی را که او در جای دیگری قرار می‌دهد دوست دارم. اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند علیه ما باشد؟ پدر ما در آسمان در واقع محافظ واقعی ماست.

به این مرور کلی از این چند آیه توجه کنید. همانطور که قبلاً اشاره کردم، فصل ۱، آیات ۳ تا ۱۴، یک جمله در متنی یونانی است. برخی از محققان این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا این نوعی دعای یهودی است که انتخاب و به متن اضافه شده است یا خیر.

اما شما می‌خواهید بدانید که الهیات و سبک این نوشته خاص با نحوه نگارش و بحث پولس در نامه سازگار است. بنابراین، اکثر مفسران اخیر در واقع این ایده را نادیده می‌گیرند که این باید از جایی گرفته شده باشد این شکل از برکت، که یکی از عناصر غنی عهد عتیق است، به ویژه هنگامی که با مزامیر و سایر مواردی که معمولاً نادیده می‌گیریم، سروکار دارید، بخش اساسی تقوای عبری باستان بود.

و حتی با فرهنگ باستانی خاور نزدیک. بنابراین من در واقع فقط ذهن شما را تازه نمی‌کنم تا وقتی آیه ۳ را می‌خوانید، بفهمید که پولس یهودی، که پیرو خداوند عیسی مسیح شده بود و از این فرهنگ متولد شده بود، یک الگوی مشترک در این فرهنگ را درک می‌کند. بنابراین، بیایید به عهد عتیق برویم.

اینقدر درگیر عهد جدید نشو، باشه؟ و کمی از این دعاها یا زبان ستایش که در عهد عتیق پیدا می‌کنی، یاد بگیر. در مزمور ۷۲، آیات ۱۸ تا ۱۹، مزمورنویس می‌نویسد: «متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل، که تنها «اوست که کارهای شگفت‌انگیز می‌کند. نام باشکوه او تا ابد متبارک باد».

باشد که تمامی زمین از جلال او پر شود. آمین، و آمین. آن نوع زبانی که در افسسیان ۱:۳ می‌یابید می‌گوید: «متبارک باد خدایی که ما را با هر نعمت روحانی مبارک ساخته است».

این حس زبانی در عهد عتیق، نکته جالبی که می‌بینیم این است که حتی برخی از بت‌پرستان، وقتی با یهودیان سر و کار دارند، شروع به درک این موضوع می‌کنند و از بخشی از این کلمه که به طور سنتی برکت نامیده می‌شود، برای ستایش خدا و ستایش نام خدا استفاده می‌کنند. فکر کردم باید مثالی بزنم تا ایده‌ای به شما بدهم که ممکن است برای خوانندگان غیریهودی در افسس نیز به خوبی طنین‌انداز شود.

برای مثال، در دانیال فصل ۳ آیه ۲۸، نبوکدنصر پاسخ داد و گفت: «متبارک باد خدای شدوک، میشک و عبدنغو که فرشته خود را فرستاده و بندگانش را که به او توکل کردند و فرمان پادشاه را کنار گذاشتند و «بدن‌های خود را تسلیم کردند تا خدایی جز خدای خود را خدمت و پرستش نکنند، رهایی بخشیده است در دوم تواریخ نیز نکته بسیار جالبی می‌بینیم. سپس حیرام، پادشاه صور، در نامه‌ای که برای سلیمان

فرستاد، در مورد رفتار با سلیمان پاسخ داد: «چون خداوند قوم خود را دوست دارد، تو را بر آنها پادشاه کرده است.»

هیرام همچنین گفت: «متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل، که آسمان و زمین را آفرید، که به پادشاه داوود پسری خردمند عطا کرد، که دارای بصیرت و فهم است، کسی که معبدی برای خداوند و کاخی سلطنتی برای خود خواهد ساخت.» حال، من قصد ندارم به عهد عتیق پردازم. نکته من در اینجا این است که به شما این ایده را بدهم که این سنت ستایش خدا و ستایش خدا به عنوان بخشی از یک سنت مذهبی، بخش اساسی از حس تقوا در میان یهودیان است، و ما می‌دانیم که به ویژه در جهان باستان خاور نزدیک، این امر به شکلی که در متن کتاب مقدس می‌بینیم، آشکار می‌شود.

احتمالاً این موضوع در میان رومی‌ها و یونانی‌ها نیز وجود داشته است. حال، تا جایی که به عهد عتیق مربوط می‌شود، به خصوص آن عهدی که در تواریخ به شما نشان دادم، به نظرم جذاب است، زیرا اگر درباره سلیمان و همه این افراد بیشتر بدانید، فکر می‌کنم گاهی اوقات برخی از این پادشاهان فقط در تجارت مهارت دارند. آنها می‌توانند چیزهای شگفت‌انگیزی در ستایش خدا بگویند، حال سلیمان را خوب کنند، به آنها تجارت بدهند و سپس همه چیز از آنجا به خوبی پیش می‌رود.

اما این فقط یک مقدمه است. آن را کنار بگذارید و به این آیات برگردیم. قبل از اینکه در مجموعه سخنرانی‌های بعدی به عناصر مقدماتی این جمله طولانی پردازیم، اجازه دهید یک طرح کلی برای شما ارائه دهم.

اگر این آیات را از آیه ۳ تا ۱۴ انتخاب کنید و شروع به خواندن آنها کنید، متوجه خواهید شد که راه آسان‌تر برای خواندن آنها و فهمیدن چگونگی جریان جمله، طرحی است که به شما ارائه خواهم داد. اما کاری که من پس از ارائه طرح کلی به شما انجام می‌دهم این است که این جمله پیچیده را انتخاب کنم و نکات کلیدی را که در آن ظاهر می‌شود به شما نشان دهم تا بتوانیم از نظر الهیاتی با آن استدلال کنیم و بفهمیم که پولس در اینجا چه می‌کند. بنابراین، از نظر طرح کلی، می‌بینیم که پولس در حال استدلال برای این موضوع است.

متبارک باد خداوند که ما را قوم خود ساخت. و ما در این مورد بیشتر توضیح خواهیم داد. او ما را به فرزندی پذیرفته است، او در این سطور اشاره خواهد کرد.

متبارک باد خدا به خاطر رستگاری و وحی‌اش. او ما را رهایی بخشیده و راز خود را بر ما آشکار کرده است. متبارک باد خدا به خاطر میراث و امید ما.

ما خدا را ستایش می‌کنیم زیرا نه تنها او اکنون ما را نجات داده است، بلکه میراثی نیز برای ما دارد. و وقتی به میراث امید داریم، این یک حدس و گمان نیست. چیزی است که مطمئن هستیم به آن دست خواهیم یافت.

و خداوند برای نجات ما، حال و آینده، متبارک باد. هنگام نگاه کردن به آن متن، به این طرح کلی فکر کنید زیرا ما شروع به بررسی برخی از عناصر این آزمون خواهیم کرد. آیا می‌توانم این جلسه خاص را به پایان برسانم؟ و اگر اجازه دهید، اجازه دهید فقط دو آیه از این آیه خاص را که خیلی از استر دوست دارم، بخوانم.

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی مبارک ساخته است. حتی هنگامی که ما را پیش از بنیاد جهان در او برگزید تا در حضور او در محبت مقدس

و بی‌عیب باشیم، در محبت، ما را از پیش تعیین کرد تا به وسیله عیسی مسیح، بر اساس اراده خود، به عنوان پسرخوانده پذیرفته شویم.

باشد که به خاطر این خدایی که ما را فراخوانده و شاید به خاطر آرمان او الهام گرفته‌اید که به این مجموعه مطالعاتی بپیوندید، از هر نعمت معنوی در جایگاه‌های آسمانی برخوردار شوید. باشد که شما متبرک شوید، و امیدوارم که همچنان که در این کتاب کاوش می‌کنیم، شما حتی بیشتر احساس سعادت کنید که پسر دختر، فرزند خدا هستید، عزیز و دوست‌داشتنی، محافظت‌شده، وارثی که میراث خوبی در انتظار شماست.

از اینکه به ما پیوستید متشکریم. و امیدوارم به تحصیلاتتان با ما ادامه دهید. خدا شما را حفظ کند.

این دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان است. این جلسه ۱۹، مقدمه‌ای بر افسسیان، بخش ۲ است.